



۲۰۲۳ / ۵ / ۲۲

کانديد اکادميسين سيستاني

پايه های حقوقی معاهده آب رود هلمند (هیرمند)

مقدمه :

جنگال بر سر تقسیم آب رودخانه هلمند میان ایران و افغانستان از زمان تقسیم سیستان میان این دو کشور در ۱۸۷۲ تا یکصد سال بعد ادامه یافت تا اینکه در ماه مارچ ۱۹۷۳ قرارداد تقسیم آب رود هلمند میان افغانستان و ایران در سطح صدراعظم دو کشور در کابل به امضا رسید و سپس از طرف از شورای ملی با اکثریت آراء به تصویب رسید و برای توشیح شاه فرستاده شد و بقول داکتر کاظم «محمد ظاهر شاه آنرا توشیح کرد، ولی تبادلۀ رسمی اسناد مصدقه بین دو دولت» که با اكمال آن معاهده رسمیت پیدامیکرد به دلیل سفر فوری پادشاه به اروپا جهت تداوی و متعاقباً کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ به تعویق افتاد. محمد داؤد تا چهار سال بعد کودتا سرطان در زمینه تبادلۀ اسناد مصدقه اقدام نکرد، تا آنکه بعد از تدویر لویه جرگه، تصویب قانون اساسی و انتخاب محمد داؤد به حیث رئیس جمهور برای طی مراتب نهائی معاهده مذکور به سفیر افغانستان در تهران وظیفه داد تا اسناد مصدقه معاهده آب هلمند را با دولت ایران تبادلۀ نماید و با این ترتیب معاهده آب هلمند بین دولت افغانستان و ایران نهائی گردید و رسمیت کامل پیدا کرد که اکنون دولتین بر طبق آن مکلف به اجرای آن میباشند».

برطبق ماده دوم همین معاهده ایران در سال نورمال اب یا فوق نورمال ، مستحق ۲۲ مترمکعب اب فی ثانیه برطبق سفارش هیات بیطرف دلتای هیرمند و مقدار ۴ مترمکعب اب در ثانیه به سابقه حسن همجواری از رودخانه هلمند شناخته شده و دولت های افغانستان تا کنون خود را به پرداخت این حقا به متعهد میدانند و طالبان هم به اجرای حقا به ایران بر طبق مواد این معاهده اعتراف دارند.

در ماده پنجم معاهده مذکور منع ادعای بیشتر آب از جانب ایران مشخص شده که به معنی دایمی بودن معاهده آب هلمند است. در ماده پنجم آمده که : «ایران هیچگونه ادعائی بر آب هلمند (هیرمند) بیشتر از مقادیری که طبق این معاهده تثبیت شده است، ندارد . حتی اگر مقادیر آب بیشتر در دلتای سفلی هلمند (هیرمند) میسر هم باشد و مورد استفاده ایران هم بتواند قرار گیرد.»

مناسفانه با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و سپس تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان بحران جنگ و نا امنی در کشور آغاز و مانع آن گردید تا افغانستان بتواند از ثروتهای طبیعی و پروژه های انکشافی کشور منجمله پروژه های آبیاری خود بدرستی مدیریت کند و بالتلیجه ایران با استفاده از این وضعیت ناگوار با نصب ده ها پایه و اترپمپ های بزرگ بر رودخانه هلمند (در فاصله بین بند کمال خان

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

وبند کوهک) سالانه از ۲/۵ تا ۳ میلیارد مترمکعب آب از رودخانه هلمند آب کشیده و توسط نهرجریکه به چاه نیمه های زابل ذخیره کرده میرود که هریک از این چاه نیمه ها بمقدار ۸۰۰ تا ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب ظرفیت دارند. دولت ایران بجای توزیع آب به مردم سیستان، آب را توسط لوله های بزرگ بطول ۲۲۰ کیلومتر به شهر زاهدان مرکز بلوچستان ابران انتقال میدهد و به قیمت گزاف بر مردم آن شهر بفروش می رساند و درنظر دارد این آب را به استان کرمان نیز انتقال دهد که این کار خلاف متن معاهده آب هلمند است.

فقط در دوره دوم حکومت اشرف غنی افغانستان قادر شد تا آبهای رودخانه های هریرود و هلمند را با بستن بندهای سلما و بندکمالخان نیمروز و کار اعمار بند بخش آباد فراه تحت کنترل در آورد. با آنکه بند کمال خان در نیمروز افتتاح گردید ولی هنوز کارهای تکمیلی آن بند و بند بخش آباد فراه به سر نرسیده بود که نظام جمهوری سقوط کرد و بجای آن نظام امارت طالبان در افغانستان برقرار گردید. امارت طالبانی بخاطر عدم رعایت نورم های حقوق بشر جهانی و بخصوص حقوق زنان و تحریم زنان از کار و تحصیلات عالی مورد خشم جامعه بین المللی قرار گرفت و تا هنوز هیچ کشوری آنرا بر سمیت نشناخته است. معهدا طالبان کاراکمال بند بخش آباد فراه را که از ۲۰ ماه بدینسو معطل مانده بود بروز شنبه ۲۰ ماه می ۲۰۲۳ از سر گرفتند و معاون اقتصادی حکومت سرپرست کارحفر تونل های انجرفی بند را افتتاح نمود. رسانه ها این اقدام طالبان را پاسخی به اخطار ابران تعبیر و تفسیر کردند. مگر طالبان اظهار کردند که این پروژه از قبل مدنظر آنان بود تا کار آن آغاز گردد. بند بخش آباد فراه در زمان ریاست جمهوری داودخان در پلان هفت ساله دولت شامل بود و امور سروی و منابع مالی آن تدارک دیده شده بود ولی بحرانی شدن اوضاع سیاسی و امنیتی در کشور مداحلات مغرضانه کشورهای همسایه مانع اعمار این بند شده بود.

در شرایطی که جامعه جهانی کمک هایش را بر ای مردم افغانستان قطع نموده و فقر و بیکاری مردم افغانستان را رنج میدهد، رئیس جمهور اسلامی ایران روز ۱۷ ماه می ضمن سخرانی در ایالت بلوچستان ایران به امارت اسلامی اخطار داد که حقایق مردم سیستان و بلوچستان بدهند و سخنان او را جدی بگیرند و اجازه بدهند که هیات کارشناس ایرانی ذخیره کجکی را از نزدیک ببینند هرگاه مقدار آب در بند کجکی نباشد مشکلی نیست (یعنی چگونه مشکل سیستان به آب رفع میشود تا گفته شود مشکلی نیست؟) مقامات ایرانی افزودند اگر تا یک ماه دیگر آب به سیستان نرسد ممکن است بزور متوسل شوند. و اما طالبان کسانی نیستند که از اخطار ایران و پاکستان یا روس و امریکا و یا سازمان ملل متحد بترسند. آنها اصلا از جنگ نمی ترسند و جنگ را کوتاه ترین راه رفتن به بهشت میدانند و حتا حاضراند بر شکم خود بمب ببندند و بمیدان بجنگ بشتابند.

دولت مردان ایران باید بدانند که افغانها بازور بکسی تسلیم نمی شوند و تاریخ نیز نشان داده است که ابرقدرتهای چون: انگلیس و روس و امریکا با ۴۴ کشور اروپایی در این کشور زور و قدرت خود را آزمودند ولی سرانجام با تلفات سنگین جانی و مالی باپشیمانی مجبور به ترک افغانستان شدند.

شکی نیست که طالبان در میان دولت مردان نظام قبلی که از راه رشوت و اختلاس و غصب دارایی های عامه صاحب قصرها و شهرکها و سرمایه های هنگفتی در افغانستان شده بودند و از ترس باز

خواست طالبان به امارات متحده عربی و یا ترکیه فرار کرده اند، مخالفان زیادی دارند و اکنون بعضی بنام جبهه مقاومت و یا بنام جبهه آزادی ادعای مبارزه می کنند ولی هیچیک از این افراد بجز در فیسبوک و تیک تاک شهامت جنگ و مبارزه میدانی با طالبان را ندارند. بنابراین دولت ایران نباید فریب گزافه گویی این اشخاص را بخورد با وجود آنکه میدانیم قبل از اوضاع فعلی تعدادی از وطن فروشان را در افغانستان اجیر ساخته و روی آنها حساب باز کرده است. ولی نباید بر این وطن فروشان اعتماد کند زیرا همین ها در زمان تجاوز روسها و آمریکا بر افغانستان نیز حلقه غلامی آنکشور ها را بگردن انداخته بودند ولی کاری از دست آنها به نفع متجاوزین برنیامد.

خلاصه تاریخ پنجاه سال اخیر افغانستان درسی بزرگ با خطوط درشت است که باید آنرا هرمتجاوزی بادقت بخواند و بحافظه خود بسپارد.

پایه های حقوقی معاهده آب رود هلمند:

داکتر سید عبدالله کاظم در بخش شانزدهم رساله خویش زیر عنوان "بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب هلمند" به توضیح پایه های حقوقی معاهده آب هلمند پرداخته است و دست آویزشان در این بخش دومقاله با محتوا از دوشخص مسلکی و صاحب نظر افغان منتشره روزنامه ۸ صبح است.

وی در این رابطه مینویسد: «نظر به اهمیت خاص معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران از نظر حقوقی و مکلفیت های طرفین معاهده در اجراء و تطبیق مواد مندرجه آن لازم است با شرح بیشتر به ماهیت موضوع پرداخت. خوشبختانه سال قبل نظرم به یک مقاله تحلیلی تحت عنوان "از بند کجکی تا سلما" افتاد که بقلم فردوس در روزنامه وزین "هشت صبح" (مورخه ۱۵ جوزای ۱۳۹۵) به نشر رسیده بود. نویسنده مقاله در ادامه بحث راجع به خصوصیات بند کجکی و سلما، به تحلیل وضعیت حقوقی دریای هلمند از سه بُعد پرداخته و هر بُعد را بطور مختصر بیان کرده است که اینک توجه را به ذکر هر یک از ابعاد مندرج آن مقاله جلب میدارم:

۱- تحلیل وضعیت حقوقی رود هلمند از نظر قانون آب افغانستان:

بر اساس ماده دوم قانون آب افغانستان، آب ملکیت عامه بوده، دولت مسئول حفاظت و اداره آن میباشد. بند نهم ماده هشتم قانون آب افغانستان تصریح میکند که تنظیم و پلان گذاری آبهای مرز مشترک میان افغانستان و کشور همسایه و تغییر جهت آن به توافق وزارت های امور خارجه، امور داخله و امور سرحدات، از وظایف وزارت انرژی و آب میباشد. ماده دهم قانون آب، مسئولیت اعمار بندها، مطالعات تخنیکی، حفاظت و سرپرستی از رودخانه های کشور را به عهده وزارت انرژی و آب گذاشته است. ماده ۳۴ قانون آب راجع به حل اختلافات آب پرداخته، اما آن شامل اختلافات بینالمللی نبوده و تنها محدود به چگونگی حل اختلافات داخلی بر سر استفاده از آب است.

به هر صورت مطابق قانون، حکومت مکلف به پاسداری و حمایت از حقوق مردم، اراضی و منابع کشور است که حمایت از تطبیق معاهده ۱۳۵۱ نیز جزء مسئولیت و مکلفیت دولت محسوب میشود.

۲- وضعیت حقوقی رود هلمند در پرتو اسناد بین المللی:

د پانو شمیره: له ۳ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

رودخانه هلمند یک رود متوالی است. از آنجائیکه این رودخانه غیرقابل کشتی رانی است، بنا در چارچوب تعریفی که کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد از آبراه ها (معبراه های آبی) ارایه کرده، میگذرد، یعنی: "بهره برداری غیرکشتی رانی از معابر آبهای بین المللی". ماده سوم این کنوانسیون به کشورها اجازه میدهد که دولتها اصولی را که قبلاً روی آن توافق کرده باشند، میتوانند اجراء کنند. همچنین ماده پنجم این کنوانسیون اصطلاح "منصفانه و معقولانه" را یاد آور شده که در ماده ششم معیارهایی را مشخص میکند که منصفانه بودن را بیان میدارد، از جمله: تعداد جمعیت ساکن در کنار آب راه (معبّر) و نیاز اقتصادی که از این لحاظ افغانستان در قبال استفاده آب هلمند از حق بیشتر برخوردار بوده میتواند. مقررات هلسنکی نیز روی تدابیر معقولانه و منصفانه اشاره دارد. مقررات برلین روی مدیریت مشارکتی، پیوسته، جامع و یک پارچه تأکید میکند. به این اساس معاهده ۱۳۵۱ آب دریای هلمند در چارچوب "تیوری حاکمیت محدود و بهره برداری منصفانه" میگذرد.

با در نظر داشت این قواعد دیده میشود که از یک طرف بیشترین امتداد و طول دریای هلمند در خاک افغانستان واقع شده است و هم چنین بیشترین جمعیت استفاده کننده گان آن را افغانستان تشکیل میدهد و از سوی دیگر افغانستان از لحاظ اقتصادی در سطح پایان تر قرار داشته و نیازمندی بیشتر به آب و تقویت محصولات زراعتی دارد که میتواند اصل منصفانه بودن معاهده ۱۳۵۱ را تأیید کند.

۳- معاهده ۱۳۵۱ رود هلمند از نظر حقوق بین الملل:

بر اساس تعریف کنوانسیون وین: «معاهده، عبارت است از یک توافق بین المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از این که در سند واحد یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده، باشد.» پس معاهده ۱۳۵۱ رود هلمند معیارهای فوق را دارا است و یک سند دوجانبه بین المللی میباشد. این سند کاملاً لازم الاجرا بوده و هیچ گونه مشکل حقوقی ندارد. ماده ۲۶ و ماده ۳۱ را یک حقوق معاهدات بین المللی «حسن نیت» را یک اصل دانسته که این خصوصیت نیز در معاهده دوجانبه مذکور در نظر گرفته شده که در آن ۴ متر مکعب آب را به عنوان حسن نیت برای ایران قایل شده است.

ماده ۲۴ حقوق معاهدات، تعهد اجرای معاهدات را از سوی طرفین الزامی میداند. پس ایران مکلف به اجراء و رعایت معاهده رود هلمند است. ماده ۲۸ حقوق معاهدات بینالمللی، معاهدات خاتمه یافته یا قبلی را تعهد آور و الزامی نمیداند، پس اصرار ایران روی اسناد قبلی، خصوصاً حکمیت "گولد سمید" خلاف قواعد بین المللی است.

ماده ۲۰ حقوق معاهدات "حق شرط" را آزاد گذاشته، طوریکه بر خلاف هدف معاهده نباشد. ماده چهارم معاهده رود هلمند حق تعدیل مقدار آب را با در نظر داشت وضعیت اقلیمی ذکر کرده و "حق شرط" را در نظر گرفته است. پس افغانستان در سالهای خشک سالی حق دارد که کمتر از ۲۶ متر مکعب فی ثانیه آب به ایران بدهد.

فردوس نویسنده آن مقاله بعد از شرح نکات فوق به این نتیجه رسیده که: معاهده ۱۳۵۱ آب رود هلمند منعقد بین حکومت افغانستان و ایران که مورد تصویب پارلمان هر دو کشور قرار گرفته و به

توشیح پادشاه هر دو کشور در آنوقت رسیده و نیز اسناد مصدقه آن در سال ۱۳۵۶ مبادله شده است، هیچ گونه نواقص قانونی نداشته و هر دو کشور باید به آن متعهد باشند. این معاهده کاملاً با ارزشها و معیارهای قواعد و حقوق معاهدات بین المللی سازگاری داشته و هیچ گونه مشکل حقوقی ندارد. نقض این تعهد، مسئولیتهای بین المللی را در پی دارد که کشور ایران از این لحاظ مسئول شناخته میشود. این مسئولیت شامل جبران خساره نیز میگردد. (داکتر سید عبدالله کاظم ، بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب هلمند. ارشیف مقالات نوبسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین)
پایان ۲۰/۵/۲۰۲۳

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ